

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

دورنمای انکشاف و توسعه روند سیاسی - اقتصادی کشور آیا حاکمیت کنونی "طالب"ها در صورت تداوم اوضاع حاضر دوام خواهد آورد؟ وضعیت کشور عزیز ما بایست در محراق توجه سیاست کشورها قرار گیرد

پیامدهای منطقی و جهانی عدم حمایت حقوق بشر در کشور ما
"باده پیروزی" را سرکشیدن و عاجز از دیدن واقعیتها
انتقاد از "معامله گری" اعضای گروه "طالب"ها
خودارضایی سیاسی و پیامدهای آن

این واقعیت را هیچگاهی نباید فراموش نمود کاصل رشد و انکشاف اقتصادی و توسعه سیاسی در کشورهای مختلف، بگونه طبیعی و با گوناگونیهایی از هم متفاوت میگردند. هر اندازه سطح توسعه یافتگی کشورها پایین تر باشد، تجربه شهروندان آنها در کسب استقلال سیاسی کمتر است و هر چه قدر در استقلال سیاسی کم تجربه‌تر می‌شوند، رابطه‌ای که آشنایی شهروندان از استقلال اقتصادی کم مایه تر خواهد بود. بنابراین، رابطه‌ای که میان توسعه یافتگی و استقلال در وجود سیاسی و اقتصادی برقرار است، بشکل معادله خطی می باشد. پرسشی که در زمینه رابطه توسعه سیاسی و انکشاف اقتصادی و چگونگی برقراری و بسط استقلال سیاسی در مرحله قبل از توسعه و صنعتی شدن کشورها امکان پذیر می باشد؟ تأثیر متقابل توسعه سیاسی و استقلال چه شکل است؟ این نکته قابل یاددانی پنداشته می شود که ضرورتی در تمامی کشورها، استقلال سیاسی به نسبت توسعه یافتگی آنها شگوفا نگردیده است. چه بسا کشورهای پیشرفته‌ای که بو یژه در مقاطعی از تاریخ نظام‌های سرکوبگر و ضد دموکراتیک را تجربه نموده اند. اگر این فرض را بپذیریم که توسعه سیاسی رابطه مستقیم با سطح علوم و دانش و پیشرفت و آگاهی شهروندان کشورها دارد و استقلال سیاسی را انضباطی بدانیم که شهروندان تحت میکانیزم آن، روابط ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در راستای خواسته‌های خود در کشورشان بمنظور زندگی بهتر و عادلانه تر و رفاه بیشتر تنظیم مینمایند. می توان فرض دومی را مطرح نمود. استقلال سیاسی و توسعه با یکدیگر رابطه تنگاتنگی دارند. هر قدر میزان اتکای یک واحد سیاسی از نظام بین الملل کمتر باشد، مانور آن بیشتر است. اما اینکه کشور ضعیف و وابسته‌ای در بازی سیاست بین المللی غوطه ور باشد، پدیده خوبی نیست.

در سرآغاز مبحث کنونی، تذکر این مسأله شایان اهمیت پنداشته میشود که وضعیت آشفته کشور ما، بو یژه در امتداد چهاردهه پسین، بازگویی نقش و اثرگذاری بازیگران و قوت‌های خارجی و منطقی محسوب میگردد. در حقیقت امر، از جمله مهمترین و اساسی ترین فاکتورهایی که بیشتر از همه سبب سازشکل گیری و تداوم بحران در کشور عزیز ما گردید، از جمله یکی هم مداخلات خارجی و تضاد منافع کشورهای رقیب در افغانستان، باعث گردید تا سرزمین میهن عزیز ما بعرضه جنگ‌های نیابتی مبدل گردد. قبل از همه و بیشتر از سایر موارد، اصل رقابت و تقابل قوت‌های مداخله گر مانند ایالات متحده و ناتو در این مورد قابل تذکر پنداشته می شود. همچنان از مداخله‌های پیدا و پنهان قدرت‌های منطقی، لحظه‌ای هم نباید غافل بود. اما یاددانی این مسأله در خور اهمیت پنداشته میشود که رسالت هر حاکمیتی از جمله در کشور عزیز ما افغانستان طرح و تطبیق عملی برنامه‌هایی بمنظور نوسازی اجتماعی - اقتصادی جامعه افغانی و رفع معضلات و موانع موجود پنداشته می شود. در امتداد زمانی سده پسین، رژیم‌های سیاسی مختلفی بنحوی از انحاء و بشکلی از اشکال و با در نظر داشت اوضاع عمومی و شعور حاکم پراکان جامعه،

بمنظور رفع آنهمه موارد یاد شده سعی ورزیده اند. اما تاکنون، بسیاری از تلاش های انجام شده بگونه نا امید کننده ای با اهداف تعیین شده و مورد نظرمنتج نگردیدند. بمنظور شکستن این دورباطل، "طالب" ها با چه مواردی مواجه بوده و به چه وسایلی نیاز دارند؟ سناریوهای خوشبینانه بمنظور توسعه صلح آمیز کشور در چه نهفته می باشد؟ اما لحظه ای هم نباید فراموش نمود که در شرایط و اوضاع و احوال کنونی، نخستین و مهمترین رسالت "طالب" ها بمفهوم خاص کلمه، گسترش ساحة نفوذ و تحکیم حاکمیت کنونی آنها، بویژه از رهگذر نظامی، سیاسی و اداری بر تمامی بخش ها و سایر مناطق کشور، بویژه بر آن مناطق و بخش های کشور که بگونه شکلی و ظاهری از کابل پیروی می نمایند، پنداشته می شود. اما در وضعیتی که پبنتون ها خویش را بمثابة گروه نیرومند دولت ساز می پندارند، در شرایط اینچنینی، وضعیت بگونه کلی با دشواری هایی مواجه می گردد. با وجود آنکه همو طنان پبنتون ما بیشتر از ۴۰ درصد شهروندان کشور را تشکیل می دهند و اما نباید فراموش نمود که هر رژیم و حاکمیت سیاسی ساخته شده بر بنیاد ناسیونالیسم قومی، نه تنها از نظر داخلی ناپایدار خواهد بود، بلکه بر بنیاد تنوع اقوام و گروه های نژادی موجود در کشور، مشروع نیز نخواهد بود. علاوه بر آن، قوم سالاری شهروندان پبنتون کشور ما به محرک نیرومندی بر اصل ناگزیری درگیری پنهان و یا حتا آشکار با پاکستان مبدل گردیده و بگونه مستقیم یا غیرمستقیم، تجزیه طلبی پبنتون ها در کشور اخیرالذکر را برخواید انگیخت. (پبنتون ها، پس از پنجابی ها، دومین گروه اتنیکی در پاکستان را تشکیل می دهند).

بخاطر باید داشت که اما تشکیل دولت در کشور در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، در نوع خود، دربر آورده نمودن انتظارات خوشبینانه در مورد چگونگی نمایندگی در دولت جدید، مؤثر واقع نگردید. نماینده ها و عناصری از دولت قبلی، اصلن بدولت راه داده نشدند. باین ترتیب، در مجموع اما دولت جدید، از فقدان و نبود نماینده های گروه های بزرگ قومی و نژادی و اقلیت های مذهبی در رنج و عذاب بسر می برد.

بسیاری ها، کابینه کنونی "طالب" ها را بمثابة تشکیلات بدون اعتدال می پندارند. در این مورد قابل یاددهانی می باشد که حکومت کنونی "طالب" ها توسط ملا عبدالغنی برادر بمثابة شخصیت معتدل و میانه رو و محمد حسن آخوند بمثابة شخصیت بنیادگرا، اداره و رهبری می گردد. اگر اولی در امر مذاکرات و گفتگوها با ایالات متحده در دوحه شرکت ورزید، دومی در ازبکستان بردن و انهدام مجسمه های بودا در بامیان در امتداد سال ۱۳۷۹ نقش عمده و کلیدی داشت. همچنان نامبرده بمثابة یکی از جمله طراحان نسخه افغانی "دیوبندی" شناخته می شود.

بایست متذکر گردید که زنگ های هشدار دهنده بویژه زمانی بصدا درآمدند که پست وزارت امور داخله به سراج الدین حقانی بمثابة یکی از فرماندهان بنیاد گرای محلی تفویض گردید که سازمانده و طراح بسیاری از حملات تروریستی بوده و توسط وزارت امور خارجه ایالات متحده بمثابة یکی از خطرناکترین تروریست های بین المللی شناخته می شود.

ولی ظاهرن غیر ممکن بنظرمی رسد که بتوان بر بنیاد ترکیب دولت نخستین "طالب" ها، بویژه در مورد ستراتیژی و شکل حکومت آینده آنها نتیجه گیری نمود، چه، دولت کنونی "طالب" ها یک دولت انتقالی و مؤقت بوده که وظیفه و رسالت آن نه تنها تهیه و تدوین یک ستراتیژی بلند مدت توسعه، بلکه در گام نخست، برقراری ثبات و استقرار نظم و امنیت پایدار در کشور می باشد.

در مورد نوع برخورد "طالب" ها با رقبای شان بایست یادآور شد که سرکوب مؤففانه و بدون و چرای سلول های رقبای سیاسی آنها از جمله "داعش خراسان" و "القاعده" در کشوری باشد. مسأله ای که به "داعش خراسان" ارتباط می گیرد، بدون اندکترین شکی، "طالب" ها بمثابة رقبای آن پنداشته شده و به درگیری های مسلحانه ای علیه همدیگر مبادرت ورزیده اند.

بسیاری از دست اندرکاران مسایل مربوط متذکر می گردند که در حدود ۱۵۰۰ - ۲۴۰۰ تن از جنگجویان "داعش" در قلمرو کشور ما بویژه در ولایت های ننگرهار و کنر حضور دارند. گروه بندی یاد شده، کم از کم، از توانایی انجام عملیات تروریستی گسترده ای برخوردار می باشد که با انجام سلسله ایی از اقدامات یاد شده (از جمله طرح و اجرای حمله تروریستی در میدان هوایی کابل حین تخلیه نظامیان امریکایی)، مبادرت ورزیده و اعتراضات و واکنش های مجامع بین المللی را برانگیخت.

نباید فراموش نمود که "داعش خراسان"، قبل از همه و در بیشترین موارد، نماینده های "طالب" های معتدل در رهبری گروه یاد شده را هدف قرار می دهد. بنابراین، مبارزه "طالب" ها با گروه بندی یاد شده همچنان تداوم کسب خواهد نمود. در این مورد خاطر نشان می گردد که اگر گروه "داعش خراسان"، اهداف ملکی، از جمله مراکز آموزشی،

بیمارستان ها، میدان های هوایی و غیره را هدف قرار دهند، اصل همکاری با دولت های خارجی در زمینه تداوم همکاری بمنظور مبارزه علیه "داعش خراسان" نیز در دستور کار "طالب" ها قرار خواهد گرفت، اما با "القاعده"، وضعیت بسیار پیچیده تر بنظر می رسد. در امتداد ۲۰ سال، برخی از عملیات ایالات متحده در عرصه حذف فزیکتی برخی از رهبران آنها در افغانستان و پاکستان بازمیان برداشتن تهدیدهای ناشی از عملکردهای گروه یادشده منتج نگردید.

با از دست دادن زیرساختهای عمده و اساسی "طالب" ها در سرزمین کشورما، بویژه پس از مرحله نخست حاکمیت شان در افغانستان، "القاعده" بگونه حداقل هم اگر بود، تا حدی توانست شکست های شان را با استقرار و برپایی شبکه گسترده غیرمتمرکز از سلول های موجود در سراسر آسیای جنوبی تلافی نماید.

آنها بگونه مشخص، در ایجاد و هسته گذاری طالب های پاکستان (تحریک طالب های پاکستان) و همچنان در امر سازماندهی شبکه تروریستی منطقوی "القاعده" در شبه قاره هند که در وضعیت کنونی در تمامی کشورهای جنوب آسیا حضور دارند، نیز نقش عمده و بسزایی ایفا نمودند.

اما همچنان، بخش هایی از گروه بندی های مسلح موجود در کشورما، تحت لوای "القاعده" و "طالب" ها قرار گرفته و بگونه متناوبی، بارتباط شرایط سیاسی و با استفاده از وضعیت در حال تحول نظامی، به تغییر وابستگی های شان مبادرت ورزیدند.

در این مقطع پرسشی مطرح می گردد کآیا "طالب" های امروزی به خنثا نمودن هسته های "القاعده" در سرزمین و اراضی کشورما مبادرت ورزیده و یا بگونه عکس آن، هسته های یادشده را تحت حمایت خویش قرار خواهند داد؟

بخاطر باید داشت که در امتداد مذاکرات سال ۱۳۹۸ دوحه با امریکایی ها، رهبران "طالب" ها از هرگونه تعهد احتمالی حاکمیت آینده آنها در مورد یادشده اجتناب ورزیدند. همچنان، "طالب" ها پس از دستیابی بقدرت در کابل، موقف قبلی شان در مورد را تکرار نموده و بر آن پافشاری بعمل آوردند. بگونه اعظمی، مواردی را رهبران "طالب" ها درباره اجازه ندادن انجام اقدامات و تحرکاتی علیه منافع کشورهای همجوار به جامعه جهانی سپردند. اما همه در این مورد متفق الرأی می باشند که مشکلات و معضلات کنونی که شهروندان کشورما با آنها دست و گریبان می باشند، نتیجه حضور ۲۰ ساله ایالات متحده، بریتانیا و متحدان ناتوی آنها در اراضی متعلق بکشور عزیز ما می باشد.

با این حال، اما تاکنون هم، جنایات نظامیان امریکایی و ناتو در کشور عزیزما بدون مجازات باقی مانده است. امریکایی ها، انگریزها و اقمارشان، هیچگاهی تقصیرتخریب، ویرانی و کشتار بیرحمانه شهروندان ملکی و افراد و اشخاص غیرنظامی در افغانستان را برعهده نگرفته و سایر مصیبت های وارده در کشورما را به مقامات رهبری کشوری که به سختی آسیب دیده، نسبت می دهند.

دست اندرکاران مسایل مربوط بکشورما متیقن اند که در وضعیت حاضر، تأمین ثبات سیاسی، ایجاد و تشکیل سیستم حاکمیت وسیع، همگرایی داخلی، همکاری های منطقوی و تقویت بیش از پیش نهادهای دفاع از حقوق و آزادی های شهروندان کشور باید درالویت قرار داده شود. علاوه برآن، مبارزه با تروریزم و همچنان جلوگیری از قاچاق مواد مخدر نیز از موارد مطرح در این مسیرپنداشته می شود.

بسیاری ها با این اظهارات جان سپکو، سرپازرس ایالات متحده در امور بازسازی افغانستان موافق اند که گفته بود: "گستاخی ها و خودفربیی های خود ایالات متحده منجر به شکست آن کشور در افغانستان گردید."

شنبه ۲۰ ماه حوت سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۱۱ ماه مارچ سال ۲۰۲۳ ترسای